

الگوهای برنامه درسی دانشگاهی

الگوهای برنامه درسی در آموزش عالی، الگوی برنامه‌ریزی راهبردی به عنوان یک الگوی مطلوب معرفی شود.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی، آموزش عالی، الگوهای برنامه درسی

مقدمه

آموزش عالی کشور در طول دودهی گذشته با چالش‌ها و مسائل بسیاری مواجه بوده است که از میان آن‌ها، می‌توان به این موارد اشاره کرد: ناتوانی در تولید دانش نظری و مصرف دانش‌های بنیادی و نظری تولید شده در سایر کشورهای جهان، کاربرد نبودن آموزش‌های دانشگاهی، فقدان رابطه مناسب بین دانشگاه‌ها و سایر بخش‌های اجتماعی، بی‌توجهی به کاربردهای پژوهش و ارائه خدمات در دانشگاه‌ها، مشکل تعدد مراکز تصمیم‌گیری و وجود متولیان متعدد، رشد فزاینده دانشجویان و متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، گسترش کمی نظام آموزش عالی بدون توجه به ظرفیت‌های موجود و توان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه برای پذیرش دانش‌آموختگان دانشگاهی، کاهش منابع مالی و فشار از سوی جامعه برای مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی. برای مقابله با این چالش‌ها، برنامه‌های درسی دانشگاهی نقش کلیدی ایفا می‌کنند و برنامه‌های درسی بعنوان قلب مراکز دانشگاهی در تحقق اهداف نظام آموزش عالی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار هستند. لیکن تاریخچه برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی، الگوهای متعددی را در این خصوص نشان می‌دهد. در این پروسه زمانی، دیدگاه متخصصان نیز با توجه به تحولات ساختاری نظام‌های آموزش عالی دچار تحولاتی شده است که حاصل آن رویکردهای مختلف به برنامه درسی است. از

خاقانی‌زاده. مرتضی MSc *

دکتر فتحی واجارگاه. کورس PhD **

چکیده

برنامه‌های درسی، یکی از عناصری‌اخرده نظام‌های اصلی، آموزش عالی هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای و غیرقابل انکار در راستای تحقق اهداف و رسالت‌های دانشگاه‌ها از نظر کمی و کیفی ایفا می‌کنند. عدم توجه و بازبینی‌های دقیق و مداوم نسبت به برنامه‌های درسی می‌تواند یکی از دلایل عمده نارسایی آموزش در هر جامعه‌ای باشد به همین دلیل باید زمینه‌های لازم را برای بررسی و سپس ارائه برنامه‌های جالب و ترغیب‌آمیز فراهم نمود تا دانشگاه‌ها بتوانند جایگاه خود را در دنیای حاضر بعنوان مراکز و پایگاه‌های دانش و پژوهش و توسعه، حفظ نمایند. اهداف اساسی برنامه‌های درسی در دانشگاه‌ها بر مبنای توجه به اهداف و رسالت‌های کلی آموزش عالی شامل حیطه زیر می‌باشد: حیطه تخصصی، حیطه آموزش عمومی، حیطه پرورش و توسعه دانش، حیطه پرورش معلمان و مربیان. جهت دستیابی به اهداف فوق و هرگونه تصمیم‌گیری در حوزة برنامه‌های درسی باید بر اساس الگوی مناسب و جامع عمل کرد. الگوها، ساختار، اهداف، محتوا و فرایند تحصیلات دوره‌های آموزشی را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که باعث پیشرفت در سطوح مختلف آموزشی می‌شود. انواع متنوعی از الگوهای برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی ارائه شده است که در این مقاله سعی شده است ضمن توضیح اهداف و ویژگی‌های برنامه درسی دانشگاهی و معرفی انواع

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی - عضو هیات علمی دانشگاه

علوم پزشکی بقیه... (عج)

** دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

ناشی از آنها در هر یک از اجزای مربوطه آگاه شد. بطوری که تدوین کنندگان برنامه های درسی در قرن بیست یکم باید به این نکته توجه داشته باشند که در ارائه برنامه درسی مناسب، نه تنها بایستی خط مشی های داخلی سازمانها بلکه باید واقعیات جهانی و شرایط دنیای کنونی را نیز مدنظر قرار دهند. (۷،۹،۱۰) برنامه های درسی در راستای اهداف و رسالتهای دانشگاهی باید پاسخگوی شرایط و دغدغه های فعلی و آینده باشند و نقش سازنده ای در راستای حل مسائل و رشد جامعه ایفا نمایند و رشته های مختلف را در راستای نیازها و تحولات قرار داده، به نحوی که از جامعیت و مناسبت لازم برخوردار بوده و ضمن پاسخگویی و توجه به نیازهای فردی دانشجویان به مشکلات اجتماعی و به ارزشها و میراث فرهنگی نیز بپردازد. (۱۱-۱۲) برنامه درسی بعنوان یک مفهوم از توضیحات و تعابیر متعددی همچون مجموع فعالیتهای یاددهی، یادگیری، یادگیری طراحی شده، طرح کلی برای یادگیری، اطلاعات و تجربیات اساسی که همه یادگیرندگان بایستی کسب نمایند و مجموع دروس پیشنهادی و برنامه زمانی آنها، محتوای یک دیسیپلین خاص، برخوردار می باشد و مسئولین مربوطه در دانشگاهها، صرف نظر از این که کدامیک از تعابیر مربوط به برنامه درسی را بپذیرند، باید آنرا بعنوان یک سازه اجتماعی (social construct) بشناسند که بایستی مستمراً در معرض بازنگری و اصلاح قرار گیرد و بطور دینامیک یا پویا در مقابل تغییر و تحولات عوامل خارجی، موثر عکس العمل نشان دهد تا بتواند نقش مهم خود را بعنوان ابزار مهم رشد و تکامل یادگیرندگان جهت دست یافتن به نتایج تربیتی ایفا نمایند. (۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷)

اهداف برنامه های درسی در دانشگاهها

برنامه های درسی از مهمترین ابزار و عناصر تحقق بخشیدن به اهداف و رسالتهای کلی دانشگاهی هستند. و طبیعتاً همراه با تغییر محورهای اصلی مورد توجه دانشگاهها آنها

این رو همگام با تحولات مختلف تکنولوژیک، اقتصادی و علمی باید متحول گردد و عدم توجه و بازبینی های دقیق و مداوم نسبت به برنامه های درسی می تواند یکی از دلایل عمده نارسایی آموزش عال در هر جامعه ای باشد به همین دلیل باید زمینه های لازم را برای بررسی و سپس ارائه برنامه های جالب تر و پویا تر فراهم نمود تا دانشگاهها بتوانند جایگاه خود را در دنیای حاضر بعنوان مراکز و پایگاه های دانش و پژوهش و توسعه، حفظ نمایند لذا در شرایط کنونی و با توجه به تفویض اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاهها لازم است در این زمینه و در راستای برنامه ریزی موثر و بازنگری و بهبود برنامه های درسی فعالیتهای متعدد از جمله پژوهشهایی در رشته های گوناگون بطور مجزا انجام گیرد و لذا در این مقاله ضمن تشریح ویژگیها و اهداف برنامه درسی دانشگاهها، به معرفی الگوهای برنامه درسی مناسب سطوح دانشگاهی پرداخته و با توجه به جهان در حال تغییر مداوم، الگوی برنامه ریزی راهبردی را بعنوان الگوی مطلوب معرفی شده است. و امید است نتایج این مقاله، زمینه ای برای محققان فراهم آورد تا جهت تدوین و توسعه برنامه درسی در دانشگاههای ایران الگوهای مناسبی را طراحی نمایند. (۱،۲،۳،۴،۵)

ویژگی های برنامه درسی در دانشگاهها

برنامه های درسی، یکی از عناصر یا خرده نظامهای اصلی، آموزش عالی هستند که نقش تعیین کننده ای و غیر قابل انکار را در راستای تحقق اهداف و رسالتهای آموزش عالی از نظر کمی و کیفی ایفا می کنند. (۷،۶،۸) یکی از ویژگیهای برنامه درسی در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی این است که قبل از هر قضاوت و تصمیم گیری نسبت به برنامه های درسی موجود، نخست باید بطور سیستماتیک به شناسایی جریانهای تکنولوژی اقتصادی، سیاسی، جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی که بر آموزش عالی و عناصر آن تاثیر می گذارند پرداخته شود و از نوع و میزان تاثیرات و مسائل چالش های ایجاد شده

آموزش و پرورش در آسیا مطرح شده است در گزارش مذکور سطوح اهداف در سه سطح بیان شده است:

- ۱- آرمانها: بیانگر غایت و مقصود و یاهداف نهایی کلی سیستم آموزش و پرورش است.
- ۲- مقاصد: بیانگر اهداف خرد سیستمهای آموزش و پرورش اعم از اهداف کلی مقاطع ورشته های تحصیلی است
- ۳- اهداف جزئی: بیانگر اهداف دروس و موضوعات درسی می باشند. (۲۰-۲۱)

رشد دانش و برنامه های درسی در آموزش عالی

به نظرمی رسد که در دنیای امروز، هیچ نظام آموزش عالی قادر به کنترل رشد دانش نمی باشد. جریانی بی نهایت قوی نشأت گرفته از مقیاسی باورنکردنی و غیرقابل تصور از پژوهش در همه ی موضوعات درسی و میان رشته ای که هیچ کس تولید، بازنویسی و توزیع آنرا در سطح بین المللی کنترل نمی کند. (۲۲)

تیلچر نیز به دو مفهوم "غیر ملی کردن" (De-Nationalization) و "جهانی نمودن" (Globalization of Knowledge) دانش اشاره می کند و با بیان این که مرزها برای دانش برچیده شده اند، ابعاد دیگری برای آموزش عالی و برنامه های درسی آن و همه فعالیت های پژوهشی و آموزشی درون آن تصویر می کند. (۲۳، ۲۴)

در چنین شرایطی درک ابعاد برنامه درسی پنهان بطور فزاینده ای دشوار تر می شود.

الگوهای برنامه درسی دانشگاهی

الگوی برنامه درسی Curriculum Design عبارتست از ساختار و سازماندهی اهداف، محتوی، فرایند تحصیلات دوره های آموزشی که به گونه ای تنظیم شده که باعث ایجاد پیشرفت در سطوح آموزشی شود. (۲۵، ۲۶) انواع متنوعی از الگوهای برنامه ریزی درسی دانشگاهی ارائه

نیز از تغییرات لازم برخوردار شوند. می توان اهداف اساسی برنامه های درسی در آموزش عالی را بر مبنای توجه به اهداف و رسالت های کلی آموزش عالی را در چند حیطه مطرح نمود:

۱- حیطه تخصصی: این حیطه تحت عنوان تربیت تخصصی یا پرورش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز بخش های مختلف جامعه بیان می شود و از آنجا که این حیطه ویژه و تخصصی است در رشته های تحصیلی متفاوت است.

۲- حیطه پرورش و توسعه دانش: این حیطه در راستای یکی از رسالت های مهم دانشگاهها یعنی تولید و توسعه دانش بر مبنای انجام پژوهش توسط متخصصان مربوطه می باشد. لذا یکی از اهداف عمده برنامه های درسی در دانشگاهها در کلیه سطوح آن توجه به این حیطه و سازماندهی عناصر در این راستا و پرورش پژوهشگران شایسته در همه تخصصها می باشد.

۳- حیطه پرورش معلمان و مربیان: هر چند که این حیطه جزئی از حیطه اول به شمار می آید، لیکن بدلیل اهمیت نقش آن و در نتیجه مشخص تر ساختن جایگاه آن در برنامه های درسی دانشگاهی آن را به عنوان یک بعد مجزا مطرح می سازند.

۴- حیطه آموزش عمومی: این حیطه مختص یک موضوع از دانش بشری و رشته های علمی نیستند و مربوط به پرورش قابلیت های شخصی همچون خلاقیت و توانایی های فکری، انتقال میراث فرهنگی و ارزشها و بررسی شهروندان متعهد و مسئول است. (۱۸-۱۹)

شناسایی اهداف عمده برنامه های درسی در دانشگاهها بعنوان یکی از ابعاد مهم در آموزش عالی محسوب می شود. اصولا در هر برنامه ریزی و با اصلاح و بازنگری و نوآوری و یا هر نوع تغییر در برنامه های درسی توجه به رابطه سطوح اهداف از جمله طبقه بندی "کرات ول و پین" (Krathwohl & Payen) و گزارش پژوهشی

- ارزشیابی بخشی از فرایند طراحی و بازبینی برنامه درسی است .

- دانشجویان بر مبنای میزان دستیابی شان به استانداردهای معینی مورد سنجش قرار می گیرند و به ندرت مقایسه دانشجویان مبنای ارزشیابی آنها را تشکیل می دهد.

- هانیون و بریگز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته اند که این الگوها دارای محدودیت ها و نواقص زیر می باشند:

- الگوهای برنامه درسی کمتر به دنبال محتوا یا آنچه که تدریس می شوند هستند و تمرکز اصلی آنها بر نحوه ی عرضه یا ارائه آموزش است .

- بیشتر برای طراحی یک درس خاص مناسب هستند تا طراحی برنامه های درسی و دوره های مختلف بلند مدت دانشگاهی .

هیچ الگوی برنامه ریزی درسی نمی تواند به تنهایی برای تمامی طرح های برنامه درسی یک موسسه تربیتی که می خواهد جهت متنوعی را با اهداف چند جانبه سرویس دهد کافی باشد. (۲۸)

طبقه بندی الگوهای برنامه درسی دانشگاهی

فتحی و اجارگاه (۲۰۰۶) الگوهای برنامه ریزی درسی آموزش عالی را بر اساس مفاهیم مختلف برنامه درسی (به عنوان پایه و اساس برای طبقه بندی) به شرح زیر طبقه بندی کرده است . وی مفاهیم مختلف برنامه ی درسی را در حوزه های زیر طبقه بندی و الگوهای مربوط به هر یک را ذکر نموده است : (۲۹)

۱- برنامه ی درسی به عنوان طرح یادستورکار:

(Curriculum as a plan or blue print)

این الگو برنامه ی درسی سندی نوشتاری درباره ی موضوع درسی یا برنامه های خاص است و مبتنی بر استعاره ی تولید است (برنامه ی درسی ابزار تولید است و دانش آموز ماده ی خامی است که به محصولی تمام شده و مفید تبدیل می شود که نتیجه ی فرایند تولید به دقت

شده است ، الگوها ارتباطات نظری را باز نمایی می نمایند، و رفتارهای رویت پذیر را توصیف می کنند. الگوهای برنامه درسی ، صورتهای بسیار مختلفی به خود می گیرد، یک دلیل آن این است که نظریه پردازان نتایج مختلفی را مورد توجه قرار می دهند. دو شیوه طراحی الگوهای برنامه درسی در آموزش عالی عبارتند از:

۱- الگوهای نهادی - ساختاری

(Institutional -Structural Patterns) این

الگوها نشان دهنده ماهیت و سازمان دهنده های اصلی برنامه درسی آشکار هستند. بدین معنی که با آنها، روشهای مفهومی کردن و تحلیل ساختار سازمانی موسسات آموزش عالی، دانشکده ها، گروههای آموزشی و نظیر آنها بدست می آید.

۲- الگوهای رشد دانشجوی

(Student Development Patterns) این الگوها

تعامل بین دانشجوی و محیط دانشکده را که به تجربه یادگیری منتهی می شود توصیف می کنند. (۲۷).

عناصر مشترک الگوهای برنامه ریزی درسی

هانیون و بریگز (۱۹۸۰) معتقدند که در اکثر الگوی برنامه ریزی درسی چند عنصر مشترک وجود دارد که عبارتند از:

- طرح ریزی ، تدوین ، ارائه و ارزشیابی آموزشی بر نظریه سیستم هامبنتی است.

- هدف ها و مقاصد کلی مبتنی بر اساس تجزیه و تحلیل از محیط سیستم صورت می پذیرد.

- هدف های آموزشی بر مبنای عملکرد دانشجویان می شود.

- طراحی برنامه درسی نسبت به پرورش صلاحیت های دانشجویان و هدف های کوتاه مدت و بلند مدت آنها بسیار حساس است .

- بر اهردهای برنامه ریزی درسی و انتخاب رسانه توجه قابل ملاحظه ای می شود.

از آن جا که ادبیات پژوهشی الگوهای متنوعی از برنامه ریزی درسی در حوزه آموزش عمومی (تحصیلات پیش دانشگاهی) و آموزش تخصصی (تحصیلات دانشگاهی) نشان می دهد، الزام می نماید، تفاوت این دودسته الگوها را بیان داشت. فتحی و اجارگاه (۲۰۰۶) در بیان تفاوت میان الگوهای برنامه ریزی درسی در آموزش عمومی و تخصصی (دانشگاهی) می نویسد: در حوزه ی آموزش عالی، الگوهای برنامه ریزی درسی بیشتر به عمل و کاربرد معطوف است تا به نظریه پردازی و مفهوم سازی. در تفسیر این واقعیه می توان بیان داشت که الگوهای برنامه درسی در آموزش عالی عمل گرایانه تر هستند و با توجه به شرایط و موفقیت های واقعی تر شکل می گیرند. (۲۹)

رویکرد راهبردی در طراحی برنامه درسی دانشگاهی

امروزه نظامهای دانشگاهی با مسائل و دغدغه های ناشی از تحولات گوناگون اقتصادی، سیاسی، ارتباطی، جمعیتی و فرهنگی مواجه هستند. که شناسایی آنها برای طراحی و تغییر نظامهای آموزش عالی و عناصر آن از جمله برنامه های درسی در رشته های مختلف (اعم از علوم انسانی، علوم پایه، پزشکی، مهندسی و...) لازم است. بر اساس رویکرد راهبردی در برنامه ریزی درسی، یکی از پایه های فعالیت نظامهای دانشگاهی، سازگاری و تطابق با محیط پیرامون است و سازمان بایستی بطور مداوم محیط بیرون خود را، ارزیابی نموده و با توجه به شرایط درونی در برابر آن عکس العمل مناسب انجام دهد. (۳۱-۳۰).

برنامه ریزی راهبردی دانشگاهی، فرایندی است که برای کمک به دانشگاه برای شناسایی و حفظ همسویی مطلوب با مهمترین عناصر محیطی که خود در آن سکونت دارد، طراحی می شود. این محیط در برگیرنده نظام زیست (اکوسیستم) سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فناوری آموزشی و بین المللی هم در درون دانشگاه و هم بیرون از آن

از قبل ترسیم می شود). در این الگو برنامه ی درسی بر مبنای وسیله و هدف، خطی و فرایندی گام به گام است.

۲- برنامه ی درسی به عنوان یک نظام Curriculum as a system

این الگو برنامه ی درسی نظام یا نظامی مفهومی است که تعاملات بالقوه را برای تصمیم گیری برنامه ی درسی توصیف می کند و مبتنی بر استعاره ی نظام است. فرایند برنامه ی درسی خطی و از بالا به پایین نیست، بر عکس فرایندی تعاملی و سیاسی است و معتقد است، الگوی برنامه ی درسی باید توصیفی باشد نه تجویزی.

۳- برنامه ی درسی به عنوان تجربه: Curriculum as experience

تعریف «دیویی» از برنامه ی درسی به عنوان تجربه، همه ی تجاربی که فراگیرندگان تحت نظارت مراکز آموزشی داشته اند. این الگو مبتنی بر استعاره ی رشد است. برنامه ی درسی همه ی تجاربی است که دانش آموز در محیط های آموزشی دارد (برنامه ریزی شده و نشده) و به واسطه ی آنها توانشان رشد و توسعه پیدامی کند.

۴- برنامه ی درسی به مثابه ی حوزه ی پژوهشی دانش پژوهانه: Curriculum as Field of Scholarly Research

این الگو، برنامه ی درسی حوزه ی دانش پژوهانه مطالعه ای است که مرزها و شاخص های ویژه ای دارد. مامی توانیم مکان های رایج و دامنه ی حوزه را از متون و پژوهش های اخیر درباره ی یک حوزه ی مطالعه درک کنیم. آن چه دانش پژوهان باید درباره اش سخن بگویند و اعتقاد به یک حوزه. در این الگو برنامه ی درسی به مثابه ی کشور یا قلمرو یا جغرافیایی خاص، استعاره ی تهیه ی نقشه. نقشه ای با مناطق گوناگون و شاخص های آن. می توانیم برنامه ی درسی را در آموزش عالی به عنوان حوزه ی مطالعه ای تعریف کنیم. (۲۹)

تفاوت الگوهای برنامه درسی آموزش عمومی و دانشگاهی

درونی و بیرونی باهمدیگر است. در این جابه چند نمونه از آنها جهت آشنایی با فعالیتهای مربوطه در برنامه ریزی راهبردی در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی اشاره می گردد.

الف - الگوی مارک سی هال و کوین ام. الیوت Mark C.H all and Kevin M. Elilott

این الگو که بعنوان یک الگوی برنامه ریزی راهبردی مطرح است بنا بر موقعیت و مساله شکل می گیرد بر اساس این مدل می توان اجزاء و عناصر از جمله برنامه های درسی دانشگاهها و موسسات آموزشی را مورد مطالعه قرار داد. اجزای اصلی این مدل شامل پنج مرحله به شرح ذیل می باشد:

- ۱- تجزیه و تحلیل موقعیت راهبردی
- ۲- تدوین و تحلیل رسالت و اهداف ویژه
- ۳- تدوین و تحلیل رسالت و اهداف ویژه
- ۴- انتخاب و اجرای ستون راهبردی
- ۵- ارزیابی (۳۴)

ب- الگوی هاوِل Howell: الگوی برنامه ریزی هاوِل (۲۰۰۰) به چهار فعالیت عمده اشاره می نماید که هر کدام برگیرنده فعالیتهای ویژه ای است این فعالیتها شامل:

۱- طرح: که شامل بررسی محیطی، مشخص نمودن رسالت دانشگاه، مشخص نمودن ستون راهبردی، تعیین اهداف دراز مدت دانشگاه

۲- اجرا: این مرحله شامل تعیین اهداف مشخص بخش، تعیین فعالیتهای شاخص ها، روش ها و استفاده از نتایج ارزشیابی برای بهبود برنامه های آکادمیک و خدمات حمایتی آکادمیک و فرایندهای مدیریتی در دانشگاه است.

۳- کنترل: که در این مرحله برون دادهها مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرند

۴- اصلاح و بازنگری و اجرای نهایی (۳۵)

ج- الگوی کلز Kells: در این الگو، عوامل موثر در برنامه ریزی راهبردی در آموزش عالی مدنظر قرار گرفته است و به گونه ای غیر مستقیم به فرآیند نیز پرداخته است این

است. در واقع برنامه ریزی با تعیین، هدایت و انتخاب هدفهای غایی مشترک نظام آموزشی، مسیر برنامه های درسی و تدریس راهموار و تحقق هدفهای تعیین شده را میسر می کند (۳۲). بر اساس دیدگاه برنامه ریزی راهبردی، برای برنامه ریزی درسی در دانشگاه و موسسات آموزش عالی، برنامه ریزان درسی بایستی بطور مداوم در جهت شناسایی محیط داخلی و خارجی به طرق مختلف از جمله مطالعه و تحقیق پیرامون نیازهای دانشجویان و خدمات مورد نیاز آنها بابتکار گیری روشهای رسمی و غیر رسمی تلاش نمایند.

ارکان اصلی برنامه ریزی راهبردی:

پترسون petterson چهار جزء اصلی برنامه ریزی راهبردی در موسسات آموزش عالی را صرف نظر از این که در کدام عنصر مورد استفاده قرار گیرد بصورت زیر معرفی می نماید:

- ارزیابی محیطی برای شناخت روندها و تغییرات محیطی و تاثیرات آنها

- ارزیابی سازمانی (دانشگاه) برای شناسایی مشکلات و منابع یا محدودیتها و امکانات

- ارزیابی ارزشها برای بررسی ارزشها، امیدها و آرمانها

- تکوین برنامه اصلی یا جهت یابی بر اساس سه عنصر فوق الذکر

کلر keller نیز، دو بخش عمده برنامه ریزی راهبردی را سازمان و محیط می داد. در بخش سازمان به سنتها، ارزشها، و آرمانها، نقاط ضعف و قوت، استعدادها، اولویتهای و در بخش محیط به روندهای محیطی، فرصتها و خطرات موجود، سلیقه های بازار، خط مشی های کلی و شرایط رقابتی اشاره می کند. (۳۳)

الگوهای برنامه ریزی راهبردی در دانشگاهها

صاحب نظران مختلف به صورت های گوناگون به بیان فعالیتهای عمده در فرآیند برنامه ریزی راهبردی می پردازند و یکی از وجوه مشترک اساسی توجه به عوامل

موجود مجوز سازندویکی از عناصر مهم نظام آموزش عالی جهت تطبیق با تحولات، برنامه های درسی است و بدون تردید، برنامه های درسی در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، در توفیق یا شکست این موسسات نقش کلیدی و بسیار تعیین کننده ای ایفا می کنند. عبارت روشن ترین برنامه های درسی آینده تمام نمای میزان پیشرفت و انعکاسی از پاسخ گو بودن دانشگاهها به نیازهای در حال تغییر جامعه هستند. لیکن جهت هرگونه تصمیم گیری در حوزه برنامه های درسی باید بر اساس الگوی مناسب و جامع عمل کرد. الگوها ساختار، اهداف، محتوا و فرایند تحصیلات دوره های آموزشی را به گونه ای تنظیم میکند که باعث پیشرفت در سطوح مختلف آموزشی می شود. انواع متنوعی از الگوهای برنامه ریزی درسی دانشگاهی ارائه شده است که بر اساس مفاهیم مختلف برنامه درسی به شرح زیر طبقه بندی می شود: ۱- برنامه ی درسی به عنوان طرح یادستورکار، ۲- برنامه ی درسی به عنوان یک نظام، ۳- برنامه ی درسی به عنوان تجربه، ۴- برنامه ی درسی به مثابه ی حوزه ی پژوهشی دانش پژوهانه. لازم به توضیح است که امروزه نظامهای دانشگاهی با مسائل و دغدغه های ناشی از تحولات گوناگون اقتصادی، سیاسی، ارتباطی، جمعیتی و فرهنگی مواجه هستند. که شناسایی آنها برای طراحی و تغییر نظامهای آموزش عالی و عناصر آن از جمله برنامه های درسی در رشته های مختلف لازم است و لذا بر اساس رویکرد راهبردی به برنامه ریزی درسی دانشگاهی می توان به بررسی دقیقی از محیط سازمان (درونی و بیرونی) برای شناسایی شرایط متغیر جمعیتی، اجتماعی، سیاسی، تکنولوژی فرهنگی، اقتصادی انجام داد، چرا که یکی از پایه های فعالیت هر سازمان از جمله دانشگاهها و موسسات آموزش عالی با توجه به دیدگاه راهبردی بایستی بطور مداوم در جهت شناسایی محیط خارجی یا بررسی محیطی، به طرق مختلف از جمله مطالعه و تحقیق پیرامون نیازهای جامعه و خدمات مورد نیاز اعضای جامعه با بکارگیری روشهای رسمی

الگوا چندبخش کلی شامل درون دادها، فرآیند، برون دادها و روابط مابین آنها تشکیل شده است (۳۶)
د: الگوی اد، کواست Ed - Quest Model: این الگو شامل هفت مرحله می باشد:

- ۱- مشخص نمودن ماهیت کار دانشگاه و وضعیت موجود عناصر آن
- ۲- شناسایی محیط بیرونی دانشگاه
- ۳- پیش بینی محیط بیرونی دانشگاه
- ۴- تهیه نقشه بر اساس پیش بینی های انجام شده
- ۵- تجزیه و تحلیل شقوق مختلف عمل
- ۶- بررسی و ارزیابی اهداف و تعیین اولویت های آنان
- ۷- هماهنگ نمودن راهبردها و..... فعالیتهای مختلف دانشگاه (۳۷)

ه- الگوی جان ام. برایسون Jun M Braison: این الگو هشت مرحله به شرح زیر می باشد که می توان برای برنامه راهبردی در دانشگاه و موسسات آموزش عالی مورد استفاده قرار گیرد:

- ۱- حصول توافق درباره برنامه ریزی راهبردی
- ۲- تعیین و شناسایی باید ها یا تکالیف و وظایف دانشگاه
- ۳- ارزیابی محیط خارجی
- ۴- ارزیابی محیط داخلی
- ۵- شناسایی مسائل استراتژیکی که دانشگاه با آن روبروست
- ۶- تنظیم استراتژی های برای مدیریت مسائل استراتژیکی
- ۷- تبیین چشم انداز دانشگاه موثر برای آینده (۳۴)

نتیجه گیری:

در بحثهای ارائه شده اشاره شد که با توجه به پیچیدگی و سرعت تغییرات در جوامع بشری، نهادهای موجود در هر جامعه ای از جمله نظام دانشگاهی بایستی برای بقای پویا، بطور مداوم خود را در تعامل با تغییرات قرار دهند و دانشگاهها باید با کسب آگاهی روزآمد از محیط و تحولات آن خود را به قدرت تطبیق با پیشرفتهای

7- James L , Ratcliff . What is a curriculum and what should it be?

Hand book of the undergraduate, Jossey – Bass publisher , first edition 1996 pp9-10

۸- فتحی واجارگاه ، کوروش، سخن سردبیرخبرنامه داخلی

انجمن مطالعات برنامه درسی تهران ، انجمن مطالعات

برنامه درسی تهران ، انجمن مطالعات برنامه درسی (۱۳۸۳)

9- Fullan M, (1984). curriculum change . The Encyclopdia of education , pp.1945

۱۰- فیلیپ اچ کومبز ، بحران جهانی آموزش و پرورش ،

ترجمه فریده آل آقا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی ۱۳۷۳ (ص ۲۶-۱۱)

11- Howell , Elaine , strategic planning for a new century , process over product , Eric clearing house for community college , 2000 ,Ed (447842)

12- George S . Papadopoulos , Learning for the twenty first century ,In Education for the Twenty – first century , Issues and prospects , Unesco, (1998, France, p. 35)

13-Zais.R,(1976).curriculum, principles and foundations, chap.1 , Curriculum as a field of study , Crowell company

14-Toombs , W and Tierney,(1991). Renewing the college and development curriculum, Eric ,Higher education report, No.6

15-Stark .S.J .Lowther .M.A(1999). Designing the learning plan,Areview of research and theory related to college curricula, Eric, (287439)

16-Mildred.G and James ,I,R, (1996) social forces shaping the curriculum. Handbook of the undergraduate curriculum, Jossey-bass publishers ,First edition, p.118

17-Eisner E,W,(1994)The educational imagination ,On the design and evaluation of school programs,Third edition, Macmillan college publishing company , New York, p.31

18- Edmund C.(1992) knowledge and the education function of a university;

و غیررسمی فعالیت نمایند با عنایت به نوآوری ها و تغییرات شگرفی که در عرصه های گوناگون در حال وقوع است. رسالت مستندسازی یافته ها و نشر و ترویج آن ها در قالب برنامه های درسی در موسسات آموزش عالی، امری ضروری است و با توجه به اینکه میزان توجه به برنامه های درسی در دانشگاهها کافی نیست و حتی تلاش و همت لازم برای بررسی، ارزشیابی، اصلاح و تغییر آن ها بطور جدی در دستور کار قرار نگرفته است. امید است محققان با استفاده از الگوهای معرفی شده به تدوین و توسعه برنامه درسی متناسب با وضعیت نظام آموزش عالی در دانشگاههای ایران بپردازند.

منابع:

1-Singh .T.s , Higher Education and Development the experiences of four Newly Industrializing countries in Asia in Higher Education In An International perspective critical Issues. (1996)pp:142-156

۲- شریعتمداری علی ، جامعه و تعلیم و تربیت ، چاپ ششم ، انتشارات امیرکبیر (۱۳۶۷) ص ۲۰-۱۳

۳- اعزازی شهلا ، علوم اجتماعی و آینده ، سومین سمینار بهبود کیفیت آموزش عالی ، ششم و هفتم دی ماه ، دانشگاه شهیدبهشتی (۱۳۷۳)

۴- گزارش کمیسیون بین المللی تعلیم و تربیت برای قرن بیست و یکم ، یادگیری ، گنج درون. یونسکو، ترجمه دفتر همکاری های علمی – بین المللی ، چاپ اول ، انتشارات تزکیه ، (۱۳۷۶)، (ص ۱۵۰-۱۴۸-۱۴۴)

۵- صدیق عیسی. تاریخ فرهنگ ایران ، چاپ هفتم ، انتشارات دانشگاه تهران ، (۱۳۵۴) ص ۳۳۲

۶- اجتهادی مصطفی ، تحلیلی بر توانمندی ها و کاستی های آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران ، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی شماره ۳ ، ۱۳۷۷، ص ۳۳

- 29-Fathi vajargh , k. , (2006) .A model of Experimental curriculum in Higher Education , Tehran , Beheshty university p.p . 245
- 30- Chris Argris and Talcot parson (1992) , Educational gornance and Administration, pp.62-67
- ۳۱- پی - ای - ام میسن (p.A.massen) اف ، ای ، ون و ت (F.A.Van .vught) برنامه ریزی راهبردی ، ترجمه مهرانزروشنایی ، درگزیده مقالات دایره المعارف آموزش عالی ، تدوین موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ، جلد اول ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران ، (۱۳۷۶) ص ۳۰۶ .
- ۳۲- کافمن ، راجر ، هرمن ، جری ، برنامه ریزی استراتژیک در نظام آموزشی : بازاندیشی و بازسازی ساختارها ، بازآفرینی . ترجمه فریده مشایخ و عباس بازرگان ، چاپ اول ، انتشارات مدرسه ، (۱۳۷۴) ص ۲۷-۲۵ .
- ۳۳- عارفی ، محبوبه ، برنامه ریزی راهبردی در آموزش عالی ، انتشارات جهاددانشگاهی چاپ اول ، (۱۳۸۴) ص ۳۳-۳۴
- ۳۴- برایشون ، جان ام . برنامه ریزی استراتژیک برای سازمانهای دولتی و غیردولتی ، ترجمه عباس منوریان ، چاپ اول ، مرکز آموزش مدیریت دولتی ، (۱۳۷۲) ص ۳ .
- 35- Howell , Elaine(2000), strategic planning for a new century ; process over product , Eric clearing house for community college Ed (447842) .
- 36- Thomas S . Barker , Howard , Wismith(1998), Integrating accreditation into Strategic planning , In : community college Journal of research and practice , v.22,no ,8,p 743
- ۳۷- محمدرضا کرامتی ، مقدمه ای بر برنامه ریزی استراتژیک در آموزش و پرورش ، چاپ اول ، انتشارات آستان قدس رضوی ، (۱۳۸۱) ص ۴۷-۴۴
- designing the curriculum of higher education , in Eric Ed ; 359 870
- 19- Jan Sadlak .(1998) Globalization and concurrent challenges for higher education In ; The globalization of higher education , peter Scott ,first edition, open university press , p.102.
- ۲۰- پرداختچی محمدحسن ، مفهوم کیفیت ، تبعات توسعه مستقیم و چهاربعد کیفی آموزش عالی . مجموعه چکیده مقالات دومین سمینار بهبود کیفیت آموزشی ، دانشگاه شهید بهشتی . (۱۳۷۲)
- ۲۱- فیوضات یحیی ، مبانی برنامه ریزی آموزشی ، نشر ویرایش ، (۱۳۷۳) ص (۶۰-۷۷)
- 22-Burton R .Clark , (1998), Creating Entrepreneurial Universities : Organization pathways of Transformation , London , Pergamon and LAN press ,pp.129-131
- 23-Ulrich Teichler(1998) ,The Role of The European Unionin the Internationalization of Higher Education, Bukingham ,SRHE & open University press .
- 24- Peter Ewell ,(1997),Identifying Indicators of Curricular Quality. Handbook of the Undergraduate Curriculum, San Francisco, Jossey-Bass, pp:612-613
- ۲۵- نصر احمد رضا و همکاران ، برنامه درسی و طراحی درس در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی انتشارات جهاد دانشگاهی (۱۳۸۶) . ص : ۲۶-۲۵
- 26- Beauchamp George A, (1980), curriculum Theory ,Ilinois Itasco , peacock publishers, p.307
- ۲۷- راتکیل جی ، برنامه درسی دوره کارشناسی ، ترجمه بابک نصیری ، برگزیده مقالات دایره المعارف آموزش عالی - جلد اول تهران / موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی (۱۳۷۶) (ص: ۲۵۵-۲۵۳)
- 28-Hannun , W .H, and Briggs L .J . (1980) How Does Instructional system Design Differ from Traditional Instruction chapel Hill: school of Education , univ. of north Carolina (p.161)